

نقاط اشتراک ایران و آمریکای لاتین در تقابل با سیاست‌های آمریکا :

بررسی موردی برنامه هسته‌ای ایران

علی‌علی حسینی^۱ - علی‌ابراهیمی^۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۱۱

تاریخ تصویب: ۹۱/۱۲/۲۵

چکیده

مقاله حاضر تلاش می‌کند ضمن بررسی روند تاریخی روابط ایران و آمریکای لاتین و تاکید بر اشتراکات آن‌ها، علت حمایت این کشورها از برنامه هسته‌ای ایران و نیز دلایل مخالفت آمریکا با برنامه هسته‌ای ایران و سیاسی بودن آن را مورد بحث قرار دهد. تشابهات بین ایران و آمریکای لاتین از قبیل نفی استکبار، مبارزه باظلم و ستم و نفی هژمونی آمریکا، باعث شد تا ایران و آمریکای لاتین در مجامع بین‌المللی به حمایت از یکدیگر عمل کنند. آمریکا تلاش فراوانی برای همسوکردن کشورهای آمریکای لاتین در فشار علیه برنامه هسته‌ای ایران انجام داد. اما آنچه اتفاق افتاد این بود که کشورهای آمریکای لاتین به دفعات یا در قالب

۱. استادیار و عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان ali.alihosseini@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان a_ebrahimia@yahoo.com

گروه آلبا^۱ و جنبش عدم تعهد^۲، بیانیه یا در قالب کشورهای مستقل و عضو شورای امنیت، رأی موافق در حمایت از برنامه هسته‌ای ایران صادر کردند. به نظر می‌رسد کشورهای آمریکای لاتین به این موضوع واقف‌اند که علت مخالفت آمریکا با جمهوری اسلامی ایران، کاملاً سیاسی و در راستای منافع ملی ایالات متحده است و رفتار آمریکا با کشورهای آمریکای لاتین نیز از همین جنس است. لذا با وجود ادعاهای آمریکا، مقاله حاضر تلاش خواهد کرد ضمن اشاره به مواردی که سیاسی بودن رفتارهای آمریکا را ثابت می‌کند، نشان دهد که برخورد جهان غرب به سردمداری آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران صرفاً سیاسی است و کشورهای آمریکای لاتین نیز در این مساله با ایران هم نظر بوده و به همین دلیل از برنامه هسته‌ای ایران حمایت می‌کنند.

کلید واژگان: ایران، آمریکای لاتین، جنبش عدم تعهد، برنامه هسته‌ای ایران، تقابل با آمریکا.

مقدمه

پایان جنگ سرد سرآغاز دگرگونی در عرصه‌های گوناگون روابط بین‌الملل بود چنانچه روابط شمال و جنوب وارد مرحله تازه‌ای شد. در دوران جهانی‌شدن و کم‌رنگ‌شدن جنبه‌های ژئوپولیتیک گذشته مناطق فقیر جهان‌سوم به حال خود رها و از گردونه مبادلات بین‌المللی کنار گذشته می‌شوند که می‌توان به قاره آفریقا اشاره کرد. اما مناطق ثروتمند جهان سوم همچنان موضوع کشمکش و رقابت

۱ . Alba
۲ . Nam

باقی ماندند. در عین حال این مناطق ثروتمند، دیگر بازیگران منفعل و بی‌اراده نخواهند بود بلکه با عنایت به توسعه ارتباطات و افزایش حق انتخاب، بسته به وضع موجود به ایفای نقش‌های کلیدی خود خواهند پرداخت. یکی از این مناطق، آمریکای لاتین است که سالیان دراز تحت چپاول و غارت کشورهای غربی و در رأس آن ایالات متحده آمریکا قرار داشت. رهبران این مناطق طی سال‌های گذشته با کسب استقلال سیاسی^۱ جهت افزایش ارتباط با کشورهایی که همسو با منافع آنها به خصوص ضدیت با ایالات متحده قرار دارند، اقدام کردند و از این طریق نقش خود را در سطح بین‌المللی فعال کردند.

در این میان یکی از کشورهایی که همسو با منافع آمریکای لاتین قرار داشت کشور ایران است. تشابهات بین این دو از قبیل نفی استکبار، مبارزه باظلم و ستم و نفی هژمونی آمریکا، باعث شد تا ایران و آمریکای لاتین در مجامع بین‌المللی به حمایت از یکدیگر عمل کنند. نمونه این امر، حمایت کشورهای آمریکای لاتین از برنامه هسته‌ای ایران است. این درحالی است که آمریکا تلاش می‌کند تا مخالفت خود با برنامه هسته‌ای ایران را با دلایلی از جمله اینکه ایران برخلاف تعهداتش در چهارچوب آژانس در تلاش برای تولید سلاح هسته‌ای می‌باشد و این باعث به خطر افتادن امنیت جهانی، برهم خوردن توازن قدرت منطقه‌ای و نیز رقابت هسته‌ای خواهد شد، توجیه نماید. بر این اساس، آمریکا تلاش فراوانی برای همسو کردن کشورهای آمریکای لاتین در فشار علیه برنامه هسته‌ای ایران انجام داد. اما آنچه اتفاق افتاد این بود که کشورهای آمریکای لاتین به دفعات یا در قالب گروه آلبا^۲ و جنبش عدم تعهد^۳ بیانه صادر نموده یا در قالب کشورهای

۱. Political independence

۲. Alba

۳. Nam

مستقل و عضو شورای امنیت، اعلام رأی موافق در حمایت از برنامه هسته‌ای ایران صادر می‌کردند.

دغدغه مقاله پیش‌رو این است که علت حمایت کشورهای آمریکای لاتین در خصوص برنامه هسته‌ای ایران را بررسی نماید؛ در واقع این موضوع به نوع رویکرد آمریکا در قبال کشورهای در حال توسعه، بویژه ایران برمی‌گردد. بنابراین فرضیه این مقاله این است که کشورهای آمریکای لاتین با آگاهی از این که علت مخالفت آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران بیشتر سیاسی و در جهت پیشبرد منافع ملی^۱ و امپریالیستی^۲ خود است، و چنانچه اگر حمایت نکنند آمریکا با آنها نیز همین سیاست را در پیش می‌گیرد، به حمایت از برنامه هسته‌ای ایران می‌پردازند. به طور کل، مقاله حاضر تلاش می‌کند روند تاریخی روابط ایران و آمریکای لاتین را بررسی و اشتراکات آن را بیان کند و دلایل مخالفت آمریکا با برنامه هسته‌ای ایران و سیاسی بودن آن رابه اثبات رساند. در پایان نیز سعی خواهد شد مواضع کشورهای آمریکای لاتین در خصوص برنامه هسته‌ای ایران را بررسی و با یک نتیجه‌گیری بحث را به پایان رساند.

۱- سیری در تحول تاریخی روابط ایران و آمریکای لاتین

آمریکای لاتین^۳ در مقابل آمریکای انگلیسی‌تبار (آمریکا و کانادا) منطقه‌ای است شامل مکزیک، آمریکای مرکزی، آمریکای جنوبی و کارائیب که بیست کشور را

۱. National Interest

۲. Imperialist

۳. Latin America

در می‌گیرد و با مساحتی معادل ۲۱۰۶۰۵۰۱ کیلومتر مربع، جمعیتی معادل ۵۴۱ میلیون نفر را در خود جای داده است (کوزه‌گر، ۱۳۸۷: ۴).

روابط دیپلماتیک بین ایران و کشورهای منطقه آمریکای لاتین در طی ۱۰۰ سال اخیر در سطح بسیار محدودی قرار داشت که مهمترین علت آن هژمونی ایالات متحده بر این منطقه در راستای دکترین مونروئه بود. از این رو، نخستین حرکت آمریکا در جهت استیلا بر آمریکای لاتین با انتشار دکترین مونروئه در سال ۱۸۲۳ صورت گرفت (نقیب‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۲۱).

این دکترین در واقع بخشی از بیانیه سیاسی جیمز مونروئه رئیس جمهور ایالات متحده بود که در سال ۱۸۲۳ به کنگره ارائه شد و حاکی از مخالفت دولت آمریکا با مداخله خارجی در نیمکره غربی محسوب می‌شود و در عین حال از قصد متقابل آمریکا مبنی بر عدم مداخله در امور داخلی اروپا نیز حکایت می‌کرد.

با قدرت گرفتن احزاب چپ‌گرا و ناسیونالیست در آمریکای لاتین و اولویت‌های آنان در سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و خارجی که در راستای منافع جمهوری اسلامی قرار دارد، کشورهای آمریکای لاتین خود را از سلطه ایالات متحده آمریکا رها نموده و روابط ایران و آمریکای لاتین وارد مرحله جدیدی شد. البته تاریخچه روابط ایران و کشورهای آمریکای لاتین به سال ۱۹۰۲ بر می‌گردد، یعنی زمانی که اسحاق خان مفخم‌الدوله وزیر مختار ایران در واشنگتن، مسافرت‌هایی به آمریکای جنوبی داشت و عهدنامه‌های مودت و تجارت با کشورهای مکزیک، برزیل، آرژانتین، اوروگوئه و شیلی امضا کرد (هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۸۵: ۳۱۴). اما شروع روابط سیاسی-اقتصادی ایران با کشورهای آمریکای لاتین، با پیروزی انقلاب اسلامی به وقوع پیوست، به طوری

که می‌توان آن را نشان دهنده یک رویکرد عملگرایانه در سیاست خارجی ایران به حساب آورد (Lotfian, ۲۰۱۰: ۳۷). به عبارت دیگر، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، روابط ایران با کشورهای آمریکای لاتین متأثر از نظام بین‌المللی و فضای غالب بر آن یعنی دوران جنگ سرد و نیز موقعیت ایران و کشورهای منطقه در راهبرد کمونیست‌ستیزی ایالات متحده آمریکا قرار داشت. اما پس از وقوع انقلاب اسلامی، به واسطه اتخاذ نه شرقی، نه غربی توسط جمهوری اسلامی ایران محدودیت‌های دوران جنگ سرد برای گسترش روابط در چهارچوب‌های تعریف‌شده در دو بلوک غرب و شرق از بین رفت و بدین ترتیب روابط دوجانبه و چندجانبه بین ایران و آمریکای لاتین وارد مرحل جدیدی شد.

از مقطع آغاز دوران سازندگی، روابط ایران و آمریکای لاتین وارد مرحله رشد و توسعه گردید، اما همچنان از مطلوبیت مورد نظر برخوردار نبود و کشورهای آمریکای لاتین با توجه به چالش‌های موجود بین ایران و آمریکا از گسترش روابط سیاسی خود با ایران پرهیز می‌کردند. در این دوره روابط بیشتر در حوزه روابط فرهنگی از سوی ایران و اقتصادی و تجاری از سوی کشورهای این منطقه دنبال می‌شد و با روی کار آمدن آقای خاتمی و دوران ۸ ساله ریاست جمهوری وی، تحرک سیاسی و گسترش روابط در این حوزه نیز میسر گردید (Sullivan, ۲۰۱۲: ۹). در این زمینه می‌توان از سفر آقای خاتمی به ونزوئلا و کوبا، سفر آقای حبیبی به کلمبیا، ونزوئلا و کوبا و سفر هوگوچاوز (دومرتبه) و فیدل کاسترو (یک مرتبه) و همچنین وزرای خارجه ونزوئلا، اروگوئه، کوبا و رئیس مجلس کلمبیا به ایران یاد کرد.

تماس بین مقامات در مجامع بین‌المللی، از جمله ملاقات رؤسای جمهور ایران و برزیل در جاکارتا (اجلاس غیر متعهدها) و ایجاد مکانیسم‌های مشورتی با هدف نزدیک‌سازی مواضع بین ایران و کشورهای آمریکای لاتین از دیگر دستاوردهای این دوره است (ضیایی، ۱۳۸۵). اگرچه نقطه آغاز تحول در روابط بین ایران و آمریکای لاتین را باید از زمان روی کار آمدن هوگو چاوز در ونزوئلا در سال ۱۹۸۸ و گسترش روابط با ایران در دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی دانست، اما اوج گسترش روابط را باید در سال‌های ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد جست‌وجو کرد که علت آن از یک سو به گسترش موج چپ در آمریکای لاتین و از سوی دیگر به روی کار آمدن دولت نهم و دهم در ایران بر می‌گردد که با اتخاذ رویکردی آرمان‌گرایانه و مواضع بسیار سرسختانه در قبال نظم حاکم بر نظام بین‌الملل^۱ و مخالفت با سیاست‌های امپریالیستی آمریکا که همسو با سیاست‌های کشورهای آمریکای لاتین است، موجبات نزدیکی هرچه بیشتر طرفین را فراهم نموده است (Farah, ۲۰۰۹: ۴).

تحولات سیاسی در آمریکای لاتین در ایران بسیار مورد توجه دولت‌های نهم و دهم قرار گرفته است. از دیدگاه سیاست خارجی جدید ایران، منطقه آمریکای لاتین دارای توانمندی‌های بالقوه و بالفعل بسیاری است که می‌تواند موجب همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه بین ایران و منطقه باشد. در همین راستا، دولت جدید ایران با دو رویکرد سیاسی و اقتصادی سعی دارد تا با نفوذ در آمریکای لاتین ضمن توسعه و تحکیم روابط خود با کشورهای که از خودشان تمایلات انقلابی نشان می‌دهند، در کنار آنها جبهه جدیدی را در صحنه جهانی علیه آمریکا و نظام ناعادلانه بین‌المللی ایجاد نماید (Lotfian, ۲۰۱۰: ۴۱-۴۲). به

۱. Inter national System

طوری که می‌توان گفت، دو کشور ایران و ونزوئلا در کنار تبادلات جدی اقتصادی، همکاری‌های فراوانی در زمینه بازرگانی و توسعه قراردادهای تجاری ترتیب داده‌اند. برای نمونه، این دو کشور خبر از تأسیس یک کمپانی مشترک نفتی-گازی به ارزش یک میلیارد دلار به صورت شراکتی ۵۰-۵۰ بین پترالیونس ونزوئلا و پترو پارس ایران داده‌اند (پایگاه خبری-تحلیلی فرارو، ۱۳۸۸). همچنین، همکاری با ونزوئلا در زمینه اکتشاف منابع استراتژیک به عنوان یکی از ویژگی‌های اتحاد بین دو کشور قلمداد می‌شود. به طوری که در مجاورت مرز ونزوئلا با گویان، منطقه‌ای با نام رورایما^۱ وجود دارد که از نظر زمین‌شناسی بزرگترین معدن اورانیوم جهان محسوب می‌شود (Berman, ۲۰۱۲: ۶۵ and Hearing, ۲۰۱۲) که همکاری دو کشور با توجه به تحریم‌های بین‌المللی حایز اهمیت تلقی می‌شود.

به نظر می‌رسد سیاست خارجی ایران به طرز چشمگیری بر پایه منابع انرژی کشورها به مثابه بنیانی برای همکاری اقتصادی جهانی، ایجاد یک شبکه از هم پیمانان اقتصادی و در نهایت متحدان سیاسی بنا نهاده شده است. نفوذ قدرتمند و توسعه روابط ایران و آمریکای لاتین چنان با اهمیت است که نگرانی وسیعی را برای ایالات متحده امریکا باعث شد (Sullivan, ۲۰۱۲: ۹ and Berman, ۲۰۱۲: ۶۴). به گونه‌ای که این کشور در خصوص روابط با ایران به کشورهای آمریکای لاتین همواره هشدار و اخطار می‌داده است. با این وجود، با توجه به گستره و پهنای روابط بین ایران و آمریکای لاتین و همچنین مواضع بین‌المللی ایران، کشورها و افکار عمومی آن منطقه بر توسعه روابط با ایران علی‌رغم

مخالفت و ادعاهای بی‌اساس آمریکا تأکید و پافشاری کرده‌اند. به طوری که آقای چاوز و مورالس بارها بر توسعه روابط دوستانه با ایران تأکید نموده‌اند.

۲- وجوه مشترک و مشابهت‌های ایران و آمریکای لاتین

ایران و آمریکای لاتین به‌عنوان دو الگو برای همکاری، دارای اشتراکاتی هستند که می‌توان بر اساس آنها به تعامل و همکاری و نزدیکی آنها با یکدیگر پی‌برد. تشابهات و اشتراکاتی که بین ایران و آمریکای لاتین وجود دارد را می‌توان این گونه برشمرد:

از تشابهات تاریخی-سیاسی که می‌توان به آن اشاره کرد این است که هم در ایران و هم در آمریکای لاتین، جایگزینی استعمار قدیم با استعمار جدید را شاهد هستیم؛ زیرا در استعمار جدید، آمریکا و در برخی مناطق، انگلیس و فرانسه، جایگزین اسپانیا و پرتغال شده‌اند. همین‌طور در زمان‌های بسیاری، انگلیسی‌ها جانشین هلندی‌ها، فرانسوی‌ها و روس‌ها و بعد از آن، آمریکایی‌ها، جانشین انگلیسی‌ها شدند. به‌عنوان مثال در ایران و دیگر کشورهای همسایه، که همین اتفاق در آمریکای لاتین هم رخ داد (توکلی، ۱۳۸۸).

این استعمار نتایجی با خود به‌همراه داشت و آن بوجود آمدن جریان غرب‌گرایی هم در ایران و هم در آمریکای لاتین است؛ یعنی گرایش به غرب و بهره‌برداری از آن، هم در ایران و هم در آمریکای لاتین مشاهده می‌شود. همان‌طور که از نظر تاریخی تمدن ایران با ریشه در سلسله‌ها و حکومت‌ها و تمدن به ارث مانده از مادها، آشوری‌ها، هخامنشیان و غیره با آمریکای لاتین که آن نیز از مایاها، آزتک‌ها و اینکاها میراث غنی در پشتوانه خویش دارد قابل مقایسه و قابل تأمل است (شبییری، ۱۳۸۲: ۸).

به‌واقع می‌توان گفت تجربه تاریخی در ایران و آمریکای لاتین نشان از اشتراکات تاریخی در این دو قلمرو دارد.

یکی دیگر از تجربه‌های مشترک این است، که به‌طور هم‌زمان، قیام‌های ضداستعماری را هم در آمریکای لاتین و هم در آسیا، به‌خصوص ایران شاهد هستیم؛ مثلاً قیام‌های ضداستعماری ژنرال ماسائو و ماکسیموگومز، در کوبا با قیام ضداستعماری میرزا کوچک خان جنگلی (۱۲۵۷ - ۱۳۰۰ هـ ش / ۱۸۷۸ - ۱۹۲۲ م) در ایران با قیام دهقانی زاپاتا (۱۸۷۹ - ۱۹۱۹ م) در مکزیک تقریباً هم‌زمان هستند (توکلی، ۱۳۸۸).

پس نفی هرگونه ظلم و ستم، استعمار، غارت و بهادادن به عدالت‌خواهی را می‌توان از دیگر ویژگی‌های مشترک ایران و آمریکای لاتین به‌حساب آورد. از تشابهات و تجربه‌های مشترک دو طرف می‌توان به نقش قابل توجه استعمار و استبداد در تاریخ سیاسی، ساختار اقتصاد تک محصولی، اهمیت الگوهای توسعه و جایگاه ویژه نویسندگان و روشنفکران در جامعه اشاره کرد (رازانی، ۱۳۸۳: ۳۷۸).

البته، در بین کشورهای مختلف وجود تشابه ادراکی، میان ایران و آمریکای لاتین بسیار مشهود است و دلیل آن شکل زندگی مردم آمریکای لاتین و مردم ایران و تشابهات سیاسی و اعتقادی این دو ملت است (شبیری، ۱۳۸۲: ۸).

یکی از آن موارد، تأثیر فراوان مذهب در بافت اجتماعی و نفوذ قابل توجه روحانیون در توده‌ها می‌باشد؛ به طوری که بررسی تحولات سیاسی و حرکت‌های اجتماعی در جوامع مزبور بدون در نظر گرفتن نقش دستگاه مذهبی نمی‌تواند کامل باشد (رازانی، ۱۳۸۳: ۳۷۸). زمینه‌های مذکور مسلماً می‌تواند درک ما

را از یکدیگر بالا ببرد، چنانکه سلطه‌پذیری مشابه و قیامه ای مردمی دردهای مشترکی هستند که ما را به یکدیگر نزدیک کرده است.

همچنین، دلایل عمده نزدیکی دو کشور این است که ایران و کشورهای آمریکای لاتین، هر دو در مقابل امپریالیزم ایستادگی و مقاومت کرده اند؛ به عبارت دیگر، آرمان های مشترک که همانا رسیدن به استقلال کامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است، مهمترین عامل برای نزدیکی است (گالگوس، ۱۳۸۶)

به واقع می‌توان گفت عدالت خواهی و مخالفت با نظام سلطه بیش از هر عامل دیگر به نقاط اشتراکی تبدیل شده که طی سالهای اخیر روابط ایران با کشورهای منطقه آمریکای لاتین را نزدیک‌تر و رو به جلو کرده است. چراکه دخالت های ایالات متحده آمریکا در ایران و آمریکای لاتین بر همگان روشن است که برای نمونه می‌توان به حادثه طبس، تحریم‌ها و در آمریکای لاتین به کودتا اشاره کرد. بنابراین یکی از مهمترین وجوه اشتراک ایران و آمریکای لاتین، دخالت های ایالات متحده آمریکا در مسائل داخلی آنهاست که خود زمینه‌ساز هویت مشترک استکبار ستیزی در ایران و آمریکای لاتین است. پس یکی از مهمترین دلایل نزدیکی ایران و آمریکای لاتین را می‌توان وجود دشمن مشترک دانست که هر دو طرف بارها مخالفت خویش را با هرگونه هژمونی طلبی ایالات متحده نشان داده‌اند. گواه این مدعا، مواضع مشترک ایران و آمریکای لاتین نسبت به استراتژی ایالات متحده آمریکا نسبت به برنامه هسته‌ای ایران است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

۳- آمریکا و برنامه هسته ای ایران

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، کسب فناوری هسته‌ای توسط ایران مورد حمایت کامل آمریکا قرار داشت. به گونه‌ای که مقام‌های آمریکایی نسبت به کسب سلاح‌های هسته‌ای توسط ایران نیز بی‌میل نبودند. در واقع با توجه به شرایط ایران در زمان جنگ سرد، هسته‌ای شدن یکی از قابل‌اعتمادترین هم‌پیمانان آمریکا تا حد زیادی می‌توانست منافع آمریکا را در منطقه بهبود بخشد (Cordesman and Al-Rodhan, ۲۰۰۶: ۲۰). اما با بروز انقلاب اسلامی ایران، کلیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران متوقف شد و روابط آمریکا و جمهوری اسلامی روبه تیرگی پیش رفت، به گونه‌ای که سفارتخانه آمریکا تعطیل و سفارتخانه اسرائیل به سفارتخانه فلسطین تبدیل شد.

بعد از وقوع حادثه یازده سپتامبر، سیاست واشنگتن نسبت به جمهوری اسلامی ایران تغییر پیدا کرد که در این راستا می‌توان به سیاست خصمانه آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران اشاره کرد. در واقع، در نیمه دوم سده بیستم سیاست‌های سلطه‌جویانه آمریکا، در چهارچوب گسترده پاسداری از «منافع حیاتی» زیر پوشش «رویارویی با کمونیزم» و «دفاع از دموکراسی» استمرار یافت و امروز هم زیر عنوان «مبارزه با تروریسم» ادامه دارد (نیری، ۱۳۸۴: ۱۱-۹).

به این خاطر آمریکا و بیشتر کشورهای غربی بر خطر برنامه هسته‌ای ایران تأکید کرده و آن را خطر بزرگی برای امنیت و صلح جهانی می‌دانند؛ به‌ویژه که مبارزه با ایران به عنوان یکی از محورهای شرارت از اهداف مهم آمریکا به‌شمار می‌رود (احدی، ۱۳۸۴: ۱۴۹).

واقعیت این است که آمریکایی ها از حادثه یازده سپتامبر، زیر لوای مبارزه با تروریسم و مبارزه با سلاح های کشتار جمعی برای سلطه و نفوذ بر کل جهان بهره برداری کرده اند.

درحقیقت، نخستین کشوری که ایران را به دستیابی به فناوری هسته ای ترغیب و این فناوری را به ایران منتقل کرد یعنی ایالات متحده آمریکا، نخستین مخالف جدی امروز ایران در تحقق فعالیت هسته ای آن می باشد (غریب آبادی، ۱۳۸۷: ۳۶). آمریکا سعی کرده است بانفوذ در مجامع بین المللی به ویژه آژانس بین المللی انرژی اتمی، برنامه هسته ای ایران را غیرصلح آمیز جلوه دهد.

۳-۱- نفوذ آمریکا در آژانس: سیاسی شدن برنامه هسته ای ایران

از زمان عضویت ایران در آژانس بین المللی انرژی اتمی تاکنون، تمامی فعالیت های هسته ای ایران تحت نظارت آژانس بوده و هیچ گاه از نقض تعهد ایران گزارشی به شورای حکام ارائه نشده بود. همچنین صلح آمیز بودن تأسیساتی مثل نیروگاه بوشهر و نطنز و پروژه های دیگر و کاربرد آنها در سطح بین المللی، هیچ گاه محل مناقشه نبوده است.

سیاست جمهوری اسلامی ایران در تعامل با آژانس بین المللی انرژی اتمی از هنگامی که موضوع فعالیت های صلح آمیز هسته ای آن در دستور کار شورای حکام قرار گرفت مبتنی بر سیاست همکاری، تعامل و رفع ابهام بوده است (غریب-آبادی، ۱۳۸۷: ۹۹). تاکنون آژانس هیچ گاه شواهدی دال بر ماهیت نظامی برنامه هسته ای ایران کشف ننموده و به دفعات مختلف ماهیت صلح آمیز برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران را مورد تأیید قرار داده است (Amuzwgar, ۲۰۰۶: ۹۵).

با این حال دولت آمریکا همیشه درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران، تبلیغات گسترده‌ای به راه انداخته و چنین عنوان کرده است ایران در صدد دستیابی به سلاح هسته‌ای است. دولت ایران نیز برای خنثی کردن این تبلیغات و اثبات بی‌اساس بودن ادعای دولت آمریکا در سال ۱۳۷۲ و ۱۳۷۴، داوطلبانه از آژانس تقاضا کرد که همه تأسیسات و مواد هسته‌ای ایران را مورد بازرسی قرار دهد. بازرسان آژانس نیز در تمام بازرسی‌ها صلح‌آمیز بودن فعالیت هسته‌ای ایران را تأیید کردند (عسگری، ۱۳۸۵: ۴۶).

از خردادماه سال ۱۳۸۲ (ژوئن ۲۰۰۳) موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مورد بررسی قرار گرفت. از آن پس، تلاش‌های فنی و حقوقی بسیاری از سوی جمهوری اسلامی ایران برای نشان دادن ماهیت صرفاً صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای خویش و متقاعد ساختن آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در این زمینه صورت پذیرفت. براین اساس، جمهوری اسلامی ایران مبادرت به اقدامات اعتمادساز داوطلبانه غیرالزام‌آور حقوقی گسترده‌ای نمود که در این خصوص می‌توان به تعلیق فعالیت‌های مرتبط با غنی سازی از یک طرف و همکاری گسترده با بازرسان آژانس و رفع ابهامات و موضوعات باقی‌مانده و اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی از طرف دیگر، اشاره داشت (Rashid and Kinjo, ۲۰۰۹: ۳۲-۳۳).

همانطور که رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران که قبلاً به صراحت این موضع را از طریق صدور فتوا نموده بودند، مجدداً طی دیدار مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با ایشان در تهران در دی‌ماه ۱۳۸۶ بر این موضع تأکید فرمودند (غریب‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۱). با این وجود، از اقدامات آمریکا ضد برنامه هسته‌ای ایران، اعمال فشار بر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بوده است. در این

راستا آمریکا بواسطه تبلیغات تلاش می‌کند که بازرسی‌های آژانس از تأسیسات هسته‌ای کافی نیست و تلاش کرده با محدودیت‌های مالی برای آژانس، این نهاد بین‌المللی را به قطع همکاری با ایران وادار کند و پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت ارجاع دهد.

به دنبال تصویب قطعنامه ۴ فوریه ۲۰۰۶ شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در خصوص برنامه هسته‌ای ایران، رسیدگی به این موضوع از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت سازمان ملل متحد منتقل شد و ماهیت آن از سطح حقوقی-فنی به سطحی سیاسی-امنیتی تغییر یافت. ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت و صدور بیانیه ۲۹ مارس ۲۰۰۶ شورای امنیت، قطعنامه‌های ۱۶۹۶ در ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۶، ۱۷۳۷ در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶، ۱۷۴۷ در ۲۴ مارس ۲۰۰۷، ۱۸۰۳ در ۳ مارس ۲۰۰۸ و ۱۹۲۹ در سال ۲۰۱۰ نشان می‌دهد که مناقشه بر سر پرونده اتمی ایران با آمریکا و متحدانش بیش از آنکه جنبه حقوقی داشته باشد، ماهیتی کاملاً سیاسی دارد (بای، ۱۳۸۷: ۷۳).

این در حالی است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برطبق مواد ۲ و ۳ اساسنامه خود و ماده ۳ از پیمان منع تکثیر هسته‌ای، تنها مرجع فنی بین‌المللی ذیربط، مجاز و موظف به حل و فصل چنین موضوعاتی است (سلطانیه، ۱۳۸۴: ۶۱۴).

این موارد همگی نشان دهنده برخورد سیاسی با برنامه‌های هسته‌ای ایران است. حتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که در بررسی پرونده‌های حقوقی باید به مفاد و معاهدات بین‌المللی و اصول حقوق بین‌الملل پایبند باشد، به دلیل ضعف ساختاری و تأثیرپذیری از قدرت‌های جهانی خصوصاً ایالات متحده آمریکا، به

ابزاری سیاسی در جهت تأمین منافع ملی برخی کشورها تبدیل شده است (زمانی، ۱۳۸۵: ۵۹).

نکته قابل توجه آن است که هرآنچه روند شفاف سازی از سوی مقامات ایرانی شدت می‌گیرد علیه اهداف استراتژیک ایران به کارگرفته می‌شود. همین امر نشان می‌دهد که شفاف‌سازی یکجانبه و براساس فشارهای بین‌المللی نمی‌تواند مطلوبیت مهمی برای ایران ایجاد کند، بلکه به جای آن که محدودیت‌های بین‌المللی^۱ بر ضد ایران را کاهش دهد، تصاعد محدودیت‌های استراتژیک را باعث می‌شود (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۴: ۱۴۶).

۳-۲- پیامدهای منطقه‌ای

براساس مهمترین تفاسیر از حقوق بین‌الملل و مفاهیم ان پی تی، ایران اجازه دارد که چرخه سوخت هسته‌ای را تحت تدابیر کامل آژانس توسعه دهد و همچنین ایران می‌تواند با امضای پروتکل الحاقی چنین روندی را ادامه دهد. تحت این شرایط، اجازه داده می‌شود تکنولوژی هسته‌ای برای توسعه توانمندی چرخه سوخت از سایر کشور های امضاکننده ان پی تی خریداری شود. از دیدگاه غرب چنین امری معادل دادن کلید بمب به ایران است (بولتن ویژه، ۱۳۸۳: ۵۱). در این رابطه ادعا بر این است، پیامدهای یک ایران هسته‌ای در سرتاسر منطقه احساس خواهد شد و کشورهایی که بیشترین زیان را خواهند برد، ترکیه، عراق، عربستان سعودی به عنوان همسایگان ایران خواهند بود و اسرائیل نیز دغدغه خاص خودش را دارد.

۱ International restrictions

بنابراین ممکن است شاهد اتخاذ مواضع هسته‌ای آشکار از سوی اسرائیل و گسترش تسلیحات هسته‌ای در دولت‌هایی نظیر مصر، عربستان سعودی و ترکیه باشیم. در عین حال از پیامدهای دیگر ایران هسته‌ای می‌تواند ظهور یک‌خاورمیانه چند قطبی باشد (اینبار، ۱۳۸۴: ۲۱۲-۲۱۱). در صورت تبدیل ایران به یک قدرت هسته‌ای، این موضوع به ذهن متبادر خواهد شد که سیاست منع گسترش تسلیحات هسته‌ای آمریکا و بریتانیا در مورد عراق ولیبی، نتوانسته در مورد ایران موفق عمل کند. چنین امری باعث شکست و ناکامی رژیم منع گسترش سلاح هسته‌ای و همچنین ابرقدرت جهان و متحدان نزدیک‌اش خواهد شد. همچنین شالوده کنترل تسلیحات که از سال ۱۹۶۸ به شکل موثری در قالب آژانس ان پی تی به وجود آمده است را زیر سوال خواهد برد. بنابراین ما می‌بایستی فرض کنیم که بمب ایران می‌تواند باعث وخامت اوضاع بین‌المللی شود (بولتن ویژه، ۱۳۸۳: ۳۲)؛ به عبارت دیگر کشورهای خاورمیانه بدون توجه به مکانیزم‌های بین‌المللی به واسطه دستیابی ایران به بمب هسته‌ای در پی دستیابی به سلاح هسته‌ای خواهند آمد که در این صورت توازن منطقه برهم خواهد خورد و عاملی خواهد شد برای به‌خطر افتادن منافع آمریکا و دوست و هم‌پیمان آن یعنی اسرائیل.

همکاری هسته‌ای اسرائیل و ایالات متحده در واقع از ابتدای تأسیس این دولت آغاز می‌شود. آمریکا به منظور اجرای سیاست‌های خود در خاورمیانه، همواره تلاش کرده است این دولت را در برابر اعراب تقویت کند (جعفری، ۱۳۸۹: ۴۹).

هدف آمریکا از اعمال فشارها این است که دانش هسته‌ای در خاورمیانه صرفاً در اختیار و انحصار اسرائیل باشد و هیچ یک از کشورهای عربی و اسلامی

به آن دست نیابند، زیرا آن را برای امنیت اسرائیل خطرناک می‌داند. البته اهمیت دادن به امنیت اسرائیل از سوی آمریکا به دلیل نفوذی است که لابی یهودی در آمریکا دارد، چراکه در داخل آمریکا یکی از مراکز قدرت آمریکا، لابی یهودی است و یکی از مهمترین اهداف آمریکا تأمین منافع اسرائیل و پاسخ مثبت به لابی صهیونیست‌ها در آمریکاست (خلیلی، ۱۳۸۳: ۷۶).

پشتیبانی آمریکا از اسرائیل در این زمینه، نشان دهنده رفتار دو وجهی و تبعیض آمیز این کشور در سیاست‌های خاورمیانه‌ای آن است. آمریکا مدعی است که خواهان خاورمیانه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای است ولی در این زمینه اسرائیل را کنار می‌گذارد. چنانکه می‌توان سیاست مذکور را گونه‌ای آپارتاید هسته‌ای به شمار آورد (حسینی اسفیدواجانی، ۱۳۸۴: ۵۵). واقعیت آن است که آمریکا می‌کوشد از هر راه ممکن دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای را با دستیابی به جنگ-افزارهای هسته‌ای پیوند دهد و وانمود کند فعالیت‌های ایران در این زمینه صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر می‌اندازد و تأثیرات سوئی برکشورها خواهد گذاشت. این ادعاها درحالی صورت می‌گیرد که از یک طرف اسرائیل دارای زرادخانه‌های هسته‌ای بسیاری است و از طرف دیگر، ایران همواره اعلام می‌کند که هدفش از هسته‌ای شدن دستیابی به انرژی هسته‌ای است نه سلاح هسته‌ای (Ilias, ۲۰۱۰: ۳) تا آنجا که می‌توان گفت تأکید بر حق مسلم جمهوری اسلامی ایران در برخورداری از توانایی و تکنولوژی هسته‌ای و همچنین غنی سازی اورانیوم در بعد از انقلاب اسلامی، بخش مهمی از گفتمان هسته‌ای را تشکیل داده است (Moshirzadeh, ۲۰۰۷: ۵۲۸).

از این منظر، ایران عنوان یک قدرت منطقه‌ای به دلیل آن که در همسایگی کشورهای هسته‌ای همچون روسیه، پاکستان و هند واقع شده، برای باقی ماندن به عنوان یک قدرت منطقه‌ای نیاز به ادامه فعالیت صلح آمیز هسته‌ای خود دارد (احدی، ۱۳۸۳: ۱۱۰).

۳-۳- اتهامات ایالات متحده آمریکا علیه ایران در راستای رسیدن به هدف خود

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نهادی بین‌المللی است، که حق کشورها را برای استفاده صلح‌آمیز به رسمیت شناخته است و در حقیقت فلسفه وجودی این سازمان را تشکیل می‌دهد. در این رابطه معاهده منع گسترش سلاح هسته‌ای نیز دارای یک سری حقوق و تکالیف برای اعضای آن می‌باشد. در این رابطه معاهده در بند ۱ ماده ۴، حق دولت‌ها در بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای را به رسمیت شناخته است (غریب‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۳۱). جمهوری اسلامی ایران با استناد به ماده ۴ معاهده منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای^۱، و پیوستن به پروتکل الحاقی الحاقی^۲ فعالیت هسته‌ای خود را صلح‌آمیز اعلام می‌کند. در حالیکه ایالات متحده و اسرائیل، ایران را به تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی متهم می‌کنند و خواستار پایان دادن به کلیه برنامه‌های هسته‌ای هستند. در مقابل، ایران با وجود عضویت در پیمان منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، تحت فشار شدید ایالات متحده قرار داشته و بسیاری از دوستان و متحدان ایالات متحده نظیر کشورهای G-۷ مانع دسترسی ایران به تکنولوژی هسته‌ای می‌شوند (جفری کمپ، ۱۳۸۳: ۱۸).

۱. Npt

۲. ctbt

امروزه نیز آمریکا تلاش ایران در زمینه‌ی انرژی هسته‌ای را خطری بران منافع خود در خاورمیانه می‌داند. رسانه‌ها پیوسته ایران را همچون عراق متهم می‌کنند که در پی دستیابی به جنگ‌افزارهای هسته‌ای است، اما هیچ سندی که گویای توانایی ایران در ساخت جنگ‌افزارهای هسته‌ای باشد، به دست نمی‌دهند (حسینی اسفیدواجانی، ۱۳۸۴: ۴۲). مقامات آمریکا و اسرائیل معتقدند ایران در تلاش جهت تولید بمب هسته‌ای است و ایران را متهم به تحقیق، آزمایش و تولید هسته‌ای می‌کنند. این دو دولت در تئوری‌پردازی خود می‌گویند: عبدالقادر خان (پدر بمب اتمی پاکستان)، تأمین‌کننده و حامی برنامه ساخت سانتریفیوژ در ایران و لیبی بودند و در طراحی و اجرای برنامه تسلیحات هسته‌ای ایران نقش داشتند. آنها ادعا می‌کنند موشک‌های «شهاب-۳» مجهز به کلاهک هسته‌ای است (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۴۹) و به منظور تهدید تل‌آویو و منافع آمریکا طراحی شده است؛ همچنین این ادعا وجود دارد که هدف ایران از تسلیحات هسته‌ای به دلیل علاقه ذاتی جمهوری اسلامی برای محو اسرائیل و نیز از بین بردن تمدن «یهودی-مسیحی» است. این ادعا برای تهیج افکار عمومی و مجامع بین-المللی انرژی اتمی و شورای امنیت موثر بوده است (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۹۵).

در حقیقت مقامات آمریکایی از هر فرصت و موقعیتی جهت ایراد این اتهام که جمهوری اسلامی ایران در پی حمایت از تروریسم می‌باشد، بهره برداری می‌نماید. ادعای پناه‌دادن ایران به فراریان القاعده و همچنین مساعدت ایران نسبت به آشوب‌طلبان عراقی از جمله اتهاماتی است که گاه و بی‌گاه در کنار ادعای همیشگی و واهی آمریکائیان مبنی بر حمایت از گروه‌های فلسطینی و لبنانی، چهارچوب تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی ایران وجود دارد (گلشن-پژوه، ۱۳۸۴: ۱۰۹). در واقع ایالات متحده آمریکا معتقد است، ایران به دلایل

متعددی مایل به داشتن توانمندی تسلیحات هسته‌ای است که از جمله می‌توان به تهدیدات ناشی از ایالات متحده، وجود سایر قدرت‌های هسته‌ای در منطقه و تمایل مردم و رهبران نظامی برای کسب شأن و مقام در جریان ایجاد این نوع تسلیحات اشاره کرد (جفری کمپ، ۱۳۸۳: ۱۸). این اتهامات در حالی صورت می‌گیرد که جمهوری اسلامی ایران بارها اعلام نموده است که سلاح‌های کشتار جمعی از جمله سلاح‌های هسته‌ای در دکترین دفاعی آن جایگاهی ندارد. این موضع اصولی نشأت گرفته از اصول اعتقادی، تعهدات قراردادی و محاسبات عقلانی است (غریب‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۶).

از نظر کارشناسان آمریکایی، «ایران مدعی است که نیروگاه هسته‌ای را در جهت تولید الکتریسیته نیاز دارد چرا که نمی‌تواند منابع سوخت فسیلی خود را در داخل استفاده کند. اما صداقت کمی در این بحث وجود دارد. زیرا توربین‌های گاز طبیعی برای تولید الکتریسیته مناسب هستند و روش موثری برای تولید برق محسوب می‌شوند» (بولتن ویژه، ۱۳۸۳: ۲۰). به علاوه از آنجایی که ایران دومین کشور بزرگ به لحاظ ذخایر گاز طبیعی بوده و دارای پنجمین ذخایر نفت جهان می‌باشد دیگر نیازی به پروژه‌های انرژی هسته‌ای برای تولید ندارد (گلشن-پژوه، ۱۳۸۳: ۳۰۱). در اینجا سوال اصلی این است که چرا ایران باید منابع نفت و گاز خود را به صورت بی‌رویه مصرف نماید، در حالی که می‌تواند مانند آمریکا و روسیه که از بزرگترین تولیدکنندگان سوخت‌های فسیلی هستند از منابع تجدیدپذیر استفاده نماید. ایرانیان پاسخ می‌دهند که آنها اولین کشور دارای ذخایر عظیم نفت و گاز نیستند که به انرژی هسته‌ای به عنوان یک منبع انرژی روی آوردند و در این رابطه از روسیه، ایالات متحده و چین نام می‌برند. در عین حال سوخت‌های فسیلی ایران عواید صادراتی مهمی هستند که باید برای صادرات

حفظ کردند و مهم‌تر این‌که، مصرف داخلی نفت و گاز ایران از رشد سالانه ۸ درصد برخوردار می‌باشد که به همین خاطر از مشکلات جدی آلودگی هوا در شهرهای بزرگ رنج می‌برد (۵: ۲۰۰۴، hadian). از طرفی دیگر ایرانیان به سایر کشورهای اشاره می‌کنند که دارای منابع سوخت فسیلی غنی هستند، اما الکتریسیته مورد نیاز خود را از طرف نیروگاه‌های هسته‌ای به دست می‌آورند (جفری کمپ، ۱۳۸۳: ۲۰).

همانطور که مشاهده می‌شود آمریکا فعالیت هسته‌ای ایران را زیر پوشش مبارزه با تروریسم، حمایت از منافع اسرائیل، برهم نخوردن توازن منطقه، جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی جهت رسیدن به منافع خود تحت الشعاع قرار می‌دهد. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که چرا آمریکا نمی‌خواهد ایران به توان هسته‌ای دست یابد، در حالی که رفتار آن با همپیمانانش مثل اسرائیل، هند، پاکستان که آن پی‌تی را نپذیرفته‌اند بگونه‌ای دیگر است؟ علت تغییر رویکرد آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران در مقایسه با بعد از انقلاب چه بوده است؟ چه عاملی می‌تواند شاخص این دو رفتار باشد؟

ایران سردمدار اشاره به این مفهوم است که در ارتباط با عناصر اصلی امنیت بین‌المللی از «معیاردوگانه» تبعیض‌آمیز استفاده می‌شود. برجسته‌ترین دیدگاه ایران به این حقیقت برمی‌گردد که در منطقه خاورمیانه و جنوب آسیا دولت‌های هسته‌ای (هند، پاکستان و اسرائیل) وجود دارند که خارج از پیمان منع تکثیر قرار دارند و در نتیجه به دور از تمام تحمیلاتی هستند که پیمان بر اعضای خود تحمیل می‌کند (جفری کمپ، ۱۳۸۳: ۱۷-۱۸) و آمریکا نیز به واسطه منافع استراتژیک خود با آنها به حمایت از آنها در مجامع جهانی عمل می‌کند. به نظر می‌رسد، مشکل

آمریکا بیشتر با نظام سیاسی ایران و رویکردهای آن است. به سخن دیگر پس از فروپاشی اتحاد شوروی، آمریکا دیگر نمی‌خواهد قدرتی منطقه‌ای یا جهانی مبتنی بر ایدئولوژی در سیاست جهانی اثر گذار باشد (امیری، ۱۳۸۰: ۵۹) و هدف آمریکا از وارد کردن این اتهام‌ها و فشارها به ایران آن است که قدرت مانور ایران را در منطقه و جهان کم کند که تا به حال موفق نبوده است و یکی از عوامل این عدم-موقیت حمایت کشورهای آمریکای لاتین از برنامه هسته‌ای ایران است. در واقع، مشغول ساختن ایران به مسئله دفاع از منافع ملی و مهمتر از آن رفع اتهامات بی‌پایه و اساس اما دارای ظاهری قبول فرصت، انرژی و زمان بسیاری را از جمهوری اسلامی خواهد گرفت (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۴: ۱۰۹) که این امر برای آمریکا جهت پی-گیری منافع خود بسیار حائز اهمیت است.

به نظر می‌رسد ایراد اتهاماتی نظیر حمایت جمهوری اسلامی از تروریسم، دستیابی به سلاح کشتار جمعی و غیره همگی در راستای آرمانی عظیم-تر باشد و آن درحقیقت حذف توان هسته‌ای و متعاقب آن قدرت معنوی ایران در منطقه، به عنوان مولفه‌ای اساسی جهت گسترش و تقویت سلطه آمریکا در جهان است. همان طور که ایران کشوری است که همواره منادی اسلام بیدار و فعال می-باشد و آمریکا این‌طور تلقی می‌کند که با تحت فشار قرار دادن ایران از قدرت مادی و معنوی ایران بکاهد. بنابراین این یک استراتژی ازپیش تعیین شده آمریکایی جهت رسیدن به هدفی بزرگتر برای آمریکا یعنی گسترش تسلط خود بر این منطقه استراتژیک خواهد بود.

۴- مواضع کشورهای آمریکای لاتین در خصوص برنامه هسته‌ای ایران

مواضع کشورهای آمریکای لاتین در خصوص برنامه هسته‌ای ایران را می‌توان در قالب هویت‌های جمعی مانند جنبش عدم تعهد، گروه آلبا و نیز اعلام موضع برخی از این کشورها در شورای امنیت سازمان ملل مانند برزیل اشاره کرد. البته نمی‌توان این نکته را نادیده گرفت که حمایت کشورهای آمریکای لاتین از برنامه هسته‌ای ایران در واقع به نوعی حمایت از حقوق هسته‌ای تمامی کشورهای در حال توسعه و جهان سوم است. در واقع، موضوع هسته‌ای ایران و رویکرد ایران در این زمینه به الگویی برای این کشورها تبدیل شده است. از این رو، نوعی تعامل و همکاری بین این کشورها به ویژه در قالب عدم تعهد و ایران شکل گرفت (غریب آبادی، ۱۳۸۷: ۱۹۴).

۴-۱- جنبش عدم تعهد

جنبش عدم تعهد از آغاز برنامه هسته‌ای ایران، به دفعات در حمایت از جمهوری اسلامی ایران بیانیه منتشر نموده است. این جنبش تنها در سال ۲۰۱۱ دو بیانیه در حمایت از ایران صادر کرده است. علاوه بر این در سال‌های ۲۰۰۵، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸ نیز بیانیه‌های متعدد دیگری صادر کرده بود. در میان این کشورها شیلی، بولیوی، ونزوئلا، کوبا و نیکاراگوئه قرار دارند. چنان که پیش از این نیز اشاره شد، از مهم‌ترین دلایلی که می‌توان برای حمایت کشورهای جنبش عدم تعهد از برنامه هسته‌ای ایران اشاره نمود، وضعیت مشابهی است که آن‌ها با جمهوری اسلامی ایران دارند. در حال حاضر این کشورها به خوبی می‌دانند که علت مخالفت کشورهای غربی با جمهوری اسلامی ایران، کاملاً سیاسی بوده و این امکان بسیار وجود دارد تا با هر یک از آن‌ها نیز به همین نحو برخورد شود. پس با حمایت از

ایران به نوعی به دنبال جلوگیری از تفوق کامل کشورهای جهان اول نیز می‌باشند. در این زمینه، مورالس رئیس جمهور بولیوی در مراسم تحلیف ریاست جمهوری، مردم منطقه را آماده دفاع در برابر تهدیدهای امپریالیستی کرد و افزود ما نباید اجازه دهیم که تاریخ استعمار تکرار و منابع ما توسط امپریالیسم غارت گردد (Hearing, ۲۰۱۲: ۲۰).

جنبش عدم تعهد تاکنون در هر اجلاس شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، برای حمایت از برنامه هسته‌ای ایران بیانیه صادر و حتی در سطوح عالی این جنبش نیز شاهد حمایت از برنامه هسته‌ای ایران بوده‌ایم. با این اقدام، تا کنون تلاش کشورهای غربی و آمریکا برای ایجاد اجماع علیه برنامه هسته‌ای ایران با شکست مواجه شده است. به گونه‌ای که بیشتر آرای منفی بازیگران در قطعنامه‌های مختلف، متعلق به کشورهای آمریکای لاتین با رویکرد چپ، رادیکال و پوپولیست است که در این میان سهم کوبا، ونزوئلا و نیکاراگوئه بیشتر از کشورهای دیگر در این منطقه می‌باشد (Lotfian, ۲۰۱۰: ۴۷). همانطور که هر گاه فعالیت آژانس همسو با آمریکا علیه ایران نمایان شد، در این زمینه ایران شاهد صدور بیانیه وزرای امور خارجه جنبش عدم تعهد در حمایت از برنامه هسته‌ای اش بود.

در بیانیه جنبش عدم تعهد، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان تنها مقام صالح برای راستی‌آزمایی تعهدات پادمانی دولت‌های عضو آژانس شناسایی شد و تأکید شد که نباید هیچ فشار یا مداخله بی‌جایی در فعالیت آژانس، به ویژه فرآیند راستی‌آزمایی آن صورت گیرد. وزرای امور خارجه عدم تعهد تأکید کردند که تمام مسائل مربوط به پادمان و راستی‌آزمایی از جمله مسائل مربوط به ایران،

باید در چهارچوب آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حل و فصل شود و مبتنی بر مبانی فنی و حقوقی باشد (غریب آبادی، ۱۳۸۷: ۱۹۶-۱۹۵).

در این رابطه جنبش عدم تعهد با صدور بیانیه‌ای درباره اجرای موافقتنامه‌های پادمان معاهده عدم اشاعه هسته‌ای (ان پی تی) و قطعنامه‌های ذی‌ربط شورای امنیت در جمهوری اسلامی ایران در نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تاکید کرد که دیپلماسی و گفت‌وگو را تنها راه حل بلند مدت موضوع هسته‌ای ایران می‌داند (تابناک، ۲۷ آبان ۱۳۹۰).

در تاریخ ۲۰۰۸/۷/۳۰ نیز شاهد حمایت وزرای امور خارجه جنبش عدم تعهد از برنامه هسته‌ای صلح آمیز جمهوری اسلامی ایران هستیم. وزرای امور خارجه ۱۱۸ کشور عضو جنبش عدم تعهد با صدور بیانیه‌ای در اجلاس تهران، از برنامه هسته‌ای ایران حمایت کردند. در این بیانیه تصریح شده است که حق کشورها برای توسعه انرژی اتمی برای مقاصد صلح آمیز نباید به هیچ عنوان محدود شود و انتخاب‌ها و تصمیمات تمامی کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران در زمینه استفاده صلح آمیز از فناوری هسته‌ای و چرخه سوخت باید محترم شمرده شوند (غریب آبادی، ۱۳۸۷: ۱۹۶).

بنابراین، دستگاه اجرایی کشور باید با استفاده منطقی از قابلیت‌ها و توانایی‌های اعضای جنبش عدم تعهد سازوکارهایی اساسی تدوین نماید. اهمیت این موضوع تا آنجاست که موتور محرکه، ایده‌پرداز اصلی و تأمین کننده منابع دبیرخانه دوران ریاست، رئیس دوره‌ای جنبش عدم تعهد است. ریاست محور بودن جنبش تا حدود زیادی اهداف و دستاوردهای دوران ریاست هر کشور را در دایره آمل، اهداف، میزان استقلال و ظرفیت بین‌المللی دولت میزبان محدود کرده

است که می‌تواند مزیتی برای رؤسای مستقل جنبش در جهت هدایت و رهبری آن در مسیر اهداف اصیل و همچنین فرصت تاریخی جهت اعاده اعتبار و کارایی این حرکت تلقی شود (خای جوی‌آباد و زهرانی، ۱۳۹۱: ۷۰). از این منظر، با توجه به ریاست ایران در اجلاس غیر متعدها، توانایی ایران جهت تعقیب سیاستهای خود از جمله عدالت اجتماعی، صلح جهانی، احترام به تنوع فرهنگی و مذهبی در جهان، خلع سلاح جهانی، مبارزه با یکجانبه‌گرایی آمریکا افزایش یافته و می‌تواند به فرصتی برای از بین بردن موانع موجود بر سر راه کشورمان در حوزه اقتصادی-سیاسی و کاهش هزینه‌های تحریم تبدیل شود.

۴-۲- گروه آلبا

کشورهای عضو گروه آلبا که اسامی آنها پیش از این بیان شد، به طور قاطع از برنامه هسته‌ای ایران حمایت نموده‌اند. در نشستی که بین نمایندگان گروه آلبا برگزار شد، آنها با صدور بیانیه‌ای مشترک حمایت خود را از حق مشروع جمهوری اسلامی ایران در تولید انرژی صلح آمیز هسته‌ای اعلام و هرگونه تهاجم و تهدید نظامی علیه ایران را محکوم کردند (Lotfian, ۲۰۱۰: ۴۸-۴۹).

اعضای گروه آلبا همچنین از بیانیه تهران و انجام مذاکره برای حل و فصل موضوع هسته‌ای ایران به عنوان تنها راه حل یاد کردند (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۹/۴/۲۳).

در این رابطه دیوید بلاسکز، سفیر ونزوئلا صدور بیانیه کشورهای عضو گروه آلبا در حمایت از برنامه هسته‌ای ایران را ناشی از نگرانی‌های کشورهای

امریکای لاتین به ویژه هشدار فیدل کاسترو در مورد هرگونه ماجراجوئی امریکا علیه ایران دانسته و یادآور شد که روسای جمهوری کشورهای آلبا مخالف اقدام نظامی علیه ایران بودند که پس از توافق های صورت گرفته بین آنها قرار شد سفیران آنها در تهران چنین بیانیه ای را صادر کنند (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۹/۵/۲۵). در این بیانیه آمده بود «ما بار دیگر حمایت دولت های خود را از حق مشروع جمهوری اسلامی ایران در تولید انرژی اتمی و استفاده صلح آمیز از آن ابراز می داریم. این امر حق تمامی ملت ها می باشد و در پیمان عدم اشاعه مطرح گردیده است. ملت ها و دولت های عضو آلبا معتقد هستند که گفتگوی صریح برای جستجوی راه حل و توافق باید بر توپ و تفنگ فائق آید» (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۹/۴/۲۳).

به طور کل، حمایت کشور های آمریکای لاتین از برنامه هسته ای ایران از دو جهت حائز اهمیت است. از یک سو نشان دهنده صلح آمیز بودن برنامه هسته ای و آگاهی از مقاصد کاملاً سیاسی ایالات متحده آمریکا در قبال این موضوع توسط کشورهای آمریکای لاتین است. از سوی دیگر ایران نیز بر اساس سیاست های ضد امپریالیستی خود و کمک به کشورهای در حال توسعه جهت رسیدن به خودکفایی، به ویژه در زمینه فعالیت هسته ای جهت استفاده از انرژی هسته ای برای این دسته از کشورها می تواند مهم و مؤثر باشد. موضوعی که می توان آن را در همکاری های هسته ای ایران، ونزوئلا و کوبا مشاهده کرد (Fugitt, ۲۰۱۲: ۶۴-۶۵).

۴-۳- برزیل

دستگاه دیپلماسی ایران در زمینه جلب حمایت کشورها از موضوع هسته ای دارای موفقیت هایی بوده است. از جمله این موفقیت ها، جلب حمایت برزیل به عنوان

یک قدرت نوظهور است که با توجه به ظرفیت‌های موجود در عرصه سیاست-خارجی برزیل و بهره‌گیری ایران از توان علمی و فناوری، روابط خوبی را توانست با این کشور ایجاد نماید. به طوری که این روابط منجر به حضور فعال برزیل در موضوع هسته‌ای ایران شد. در این رابطه، برزیل به همراه ترکیه در ماه مه ۲۰۱۰ به عنوان واسطه توافق هسته‌ای با ایران در بیانیه تهران معرفی شد. آمریکا و متحدانش اگر چه این توافق را نادیده گرفتند، اما این بیانیه و همچنین مخالفت با اعمال تحریم علیه ایران و درخواست حل دیپلماتیک مشکل این کشور، برزیل را در مرکز توازن هسته‌ای بین ایران و غرب قرار داده است (بی-نا، ۱۳۸۹: ۱۴). این رفتار سبب شد برزیل به موضع ایران بیشتر نزدیک شود و در نتیجه این کشور در جلسه تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ در شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی ایران، رأی منفی به قطعنامه بدهد.

برای نمونه لولا داسیلوا رییس جمهور سابق برزیل در نشست سران آمریکای لاتین و کارائیب به شدت نسبت به این مساله هشدار داده است که کشورهای غربی می‌خواهند ایران را به دلیل پیگیری برنامه‌های هسته‌ای ایزوله نمایند (AFP, ۲۰۱۰).

در این ارتباط، لولا داسیلوا، رئیس جمهور برزیل در سفر رسمی خود به آمریکا در یک مصاحبه علنی و در حضور جورج بوش که سعی داشت برزیل را از توسعه روابط با ایران باز دارد، به طور رسمی ضمن حمایت از حق ایران برای دستیابی به فناوری هسته‌ای برای مقاصد صلح آمیز اعلام کرد که روابط ایران و برزیل موضوعی دوجانبه است (روزنامه ایران، ۱۳۸۷: ۵).

سلسو آموریم وزیر امور خارجه برزیل، احتمال اعمال محدودیت‌های مشابه ایران برای برنامه هسته‌ای را علت همراهی با ایران در برنامه هسته‌ای ذکر کرد و با اشاره به حضور فعال برزیل در برنامه هسته‌ای ایران می‌گوید: «برزیل در آینده هدف همین تهمت‌هایی خواهد بود که امروز ایران با آن مواجه است. اگر غرب در تهمت زنی به ایران موفق شده و جلوی برنامه هسته‌ای ایران را بگیرد، برزیل هم با همین شیوه از برنامه هسته‌ای خود محروم خواهد شد.» (رجانیوز، ۱۳۸۹/۹/۱). به نظر می‌رسد، آگاهی از این موضوع سبب شده تا برزیل در خصوص برنامه هسته‌ای خود با توجه به نفوذ آمریکا، در قبال آژانس بین‌المللی انرژی اتمی محتاطانه عمل نماید (۶-۵: ۲۰۰۷, vann).

دانیل آلوارز کاردار سفارت اکوادور در ایران در حاشیه نشست سفرا و نمایندگان گروه آلبا در تهران در گفتگو با خبرنگار مهر گفت: «ما همانطور که در کنفرانس خلع سلاح هسته‌ای تهران اعلام کردیم، باز هم از حق دستیابی ایران به تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای حمایت می‌کنیم، زیرا ما برای خود یک رابطه جنوب به جنوب تعریف کرده ایم که حمایت از دولت و ملت ایران نیز جزو آن است.» وی با مثبت ارزیابی کردن توافقنامه سه جانبه تهران بین ایران، ترکیه و برزیل برای حل و فصل موضوع هسته‌ای ایران از وجود سازمانها و ارگانهایی در مجامع بین‌المللی از جمله سازمان ملل خبر داد که دنباله‌رو سیاستهای سلطه‌گرایانه آمریکا و هم‌پیمانانش بوده و علیه ایران فعالیت می‌کنند. به گفته وی، «مواجهه با این سازمانها از جمله برنامه‌های کشورهای آلبا در سطح بین‌المللی است» (خبرگزاری مهر، ۲۵/۴/۱۳۸۹) و این خود تأییدی است بر این مدعا که سازمانها و ارگانهای بین‌المللی تحت تأثیر آمریکا بر علیه برنامه هسته‌ای ایران موضع می‌گیرند.

در دیداری که رئیس جمهور بولیوی با رئیس جمهور کشورمان داشت، مذاکرات طرفین به صدور بیانیه ای در خصوص همکاری های موجود منتهی شد و دو طرف در این بیانیه بر تعهد خویش برای مبارزه و انجام اقدامات سیاسی مشخص علیه هرگونه امپریالیسم به منظور تضمین دستیابی به تعادل، برابری، همبستگی و رفاه ملت‌های دنیا براساس اصل احترام به حق حاکمیت، آزادی تعیین سرنوشت ملتها و عدم دخالت در امور داخلی، تاکید کردند. هر دو رئیس جمهور بر اهمیت نزدیکی روابط بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو پیمان آلبا که بیانگر ایجاد اتحادیه های جدید برپایه اصل احترام متقابل، همبستگی و مکمل بودن استوار هستند، تاکید کردند. این بیانیه شامل حمایت بولیوی از عضویت غیر دائم ایران در شورای امنیت و برنامه هسته ای ایران نیز است (بای، ۱۳۸۷).

نتیجه گیری

پیروزی انقلاب اسلامی ایران و شکل گیری ایدئولوژی قدرتمند اسلامی، یکی از دلایل اصلی خصومت آمریکا با نظام اسلامی ایران است. توجه به این نکته می تواند عنصر مهمی در شناخت و تحلیل دقیق رفتارهای آمریکا در قبال ایران باشد. بسط و گسترش ایدئولوژی اسلامی در منطقه و جهان، ایدئولوژی لیبرال - سرمایه داری غرب را با چالش هایی جدی مواجه نمود. از همین رو آمریکایی ها همواره در هر موقعیتی در مقابل ایران موضع گیری کرده اند. در این راستا یکی از عواملی که به نظر آمریکایی ها سبب جلوگیری از پیشرفت ایران و تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران خواهد شد، سیاسی کردن برنامه هسته ای ایران است. در این رابطه با وجود اعلام صریح ایران مبنی بر صلح آمیز بودن فعالیت های هسته -

ایش، آمریکا همواره سعی می‌کند کشورهای جهان را نسبت به اتهامات خود علیه ایران همسو کند. در این زمینه تلاش‌های آمریکا بیشتر حول متقاعد کردن مجامع جهانی مبنی بر تلاش ایران جهت دستیابی به سلاح هسته‌ای و متعاقباً برهم خوردن توازن منطقه‌ای، به خطر افتادن منافع خود و اسرائیل به‌عنوان متحد استراتژیک و در نهایت تهدید صلح و امنیت جهانی می‌چرخد.

آمریکا در حالی ایران را متهم به پیگیری سلاح‌های هسته‌ای و کشتار جمعی می‌کند که خود به قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به منع تولید و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی متعهد نبوده و حتی سابقه به کارگیری این قبیل سلاح‌ها و عدم پای بندی به اصول اخلاقی، انسانی و بین‌المللی را در کارنامه‌ی خود داشته است و در زمان کنونی نیز با تمام توان به دنبال گسترش زرادخانه‌های اتمی خویش است و به صورت علنی از آن دفاع می‌کند. کشورهای آمریکای لاتین نیز با آگاهی از این موضوع، به این امر واقف‌اند که مخالفت آمریکا با برنامه هسته‌ای ایران ابعاد سیاسی دارد. آن‌ها بر این باورند که اگر از برنامه هسته‌ای ایران حمایت نکنند، ممکن است آمریکا با آنها نیز چنین رفتاری را در آینده داشته باشد. پس همواره در مقابل آمریکا قرار گرفته‌اند و حمایت خود از برنامه صلح آمیز هسته‌ای ایران را اعلام کرده‌اند.

مبارزه با آمریکا که به شعار اصلی بسیاری از رهبران نوظهور آمریکای لاتین تبدیل شده، فرصتی تاریخی برای جمهوری اسلامی ایران است تا از حمایت‌های آن‌ها در مواجهه با غرب به ویژه آمریکا بهره‌مند شود. تلاش کشورهای آمریکای لاتین برای خارج شدن از سلطه آمریکا، بیشتر از هر چیز آنها را نیازمند متحدانی ساخته که در ضدیت با آمریکا با کشورهای یاد شده همسو

هستند. علاوه بر این استعداد آمریکای لاتین در دگرگون ساختن نظام بین المللی و ایجاد جهانی چند قطبی و تهدید هژمونی آمریکا کاملاً با اهداف ایران در این زمینه تطابق دارد و به هر دو طرف اجازه می دهد تا با همگرایی در این زمینه با قدرت بیشتری، اجرای اهداف فوق را دنبال نمایند. این مقاله با تکیه بر برخی از وجوه اشتراک ایران و آمریکای لاتین به ویژه دشمن مشترک آنها یعنی ایالات متحده آمریکا، تلاش نمود تا زمینه ها و عوامل همسویی و اتفاق نظر ایران و کشورهای آمریکای لاتین را توضیح دهد و علل حمایت این کشورها از برنامه هسته ای ایران را تحلیل نماید.

منابع

احدی، افسانه (۱۳۸۳)، «کارنامه آژانس و منافع ملی ج. ا. ایران». *مجله راهبرد، شماره سی و*

چهارم

احدی، افسانه (۱۳۸۴)، *استراتژی آمریکا در قبال برنامه هسته ای ایران در پرونده هسته ای ایران (۲) روندها و نظرها، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار*

معاصر

اردستانی، حسین (۱۳۸۱)، «تأثیر اسرائیل بر تعمیق بحران ایران و آمریکا»، *فصلنامه مطالعات*

خاورمیانه، سال ۹، شماره ۴

امیری، مهدی (۱۳۸۰)، *تمایل روسیه برای ادامه همکاری های هسته ای با ایران در پرونده*

هسته ای ایران (۱) روندها و نظرها، تهران: ابرار معاصر

اینبار (۱۳۸۴)، ایران هسته‌ای پیامدهای منطقه‌ای ۲ در پرونده هسته‌ای ایران (۲) روندها و نظرها، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران

بای، نادعلی (۱۳۸۷)، حقوق بین‌الملل و برنامه هسته‌ای ایران در پرونده هسته‌ای ایران (۴) روندها و نظرها، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران

بولتن ویژه (۱۳۸۳)، ایالات متحده و ایران: معمای هسته‌ای، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر (تدوین و گردآوری)

بی نا (۱۳۸۹)، نقش ایران در آمریکای لاتین: پاتک استراتژیک، ماهنامه اقتصاد/ایران

پایگاه خبری-تحلیلی فرارو (۱۳۸۸)، ایران - ونزوئلا، متحدان دوردست سرمایه،

قابل دسترس در: www.fararu.com/fa/news/۲۲۷۱۰

توکلی، یعقوب (۱۳۸۸)، «ایران و آمریکای لاتین: همانندی‌های تاریخی»، دو هفته نامه پگاه حوزه، شماره ۲۷۴

جعفری، علی‌اکبر (۱۳۸۹)، منافع استراتژیک مشترک و اتحاد آمریکا-اسرائیل، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

حسینی اسفیدواجانی، سید مهدی (۱۳۸۴)، «پیامدهای برنامه هسته‌ای ایران در روابط ایران و آمریکا»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۱۹-۲۲۰

خانی جوی‌آباد، محمود و مصطفی زهرانی (۱۳۸۳)، «فرصت‌ها و محدودیت‌های دوران ریاست جمهوری اسلامی ایران بر جنبش عدم تعهد»، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، شمار اول

خلیلی، اسدالله (۱۳۸۳)، «سیاست آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی. تهران: ستاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه، شماره ۱۲

رازانی، احسان (۱۳۸۳)، «هم‌کاوی نقش مذهب در انقلاب ایران و جنبش‌های آمریکای لاتین»، راهبرد، شماره ۳۱

زمانی، قاسم (۱۳۸۵)، «شورای امنیت و برنامه هسته‌ای ایران»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۰

سلطانیه، علی‌اصغر (۱۳۸۴)، «فعالیت‌های هسته‌ای ایران و سیاست بین‌الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۳ و ۴

شیرینی، نجمه (۱۳۸۲)، «نقد و نظر: تشابهات فرهنگی ایران و آمریکای لاتین»، آزما، شماره ۲۶
ضیایی، محمدعلی (۱۳۸۵)، «تاریخ روابط دیپلماتیک ایران و کشورهای آمریکای لاتین»، همشهری آنلاین، ۱۵ دی ۱۳۸۵.

عسگری، یدالله (۱۳۸۷)، «بررسی حقوقی عملکرد آژانس در مسئله فعالیت‌های هسته‌ای ایران»، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۵۵

غریب‌آبادی، کاظم (۱۳۸۷)، برنامه هسته‌ای ایران واقعیت‌های اساسی، تهران: وزارت امور خارجه مرکز چاپ و انتشارات

کوزه‌گرکالجی، ولی (۱۳۷۸)، تأملی بر سیاست خارجی ایران در آمریکای لاتین، گزارش، شماره ۱۹۸.

گالگوس، آرتور (۱۳۸۶)، «ایران و ونزوئلا: همپیمانان جدید در آمریکای لاتین»، گفتگو، ماهنامه اقتصاد ایران

گلشن پژوه، محمدرضا (۱۳۸۴)، پرونده هسته ای ایران: روندها و نظرها، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران

گلشن پژوه، محمدرضا (۱۳۸۴)، بررسی علل اهمیت یافتن مسائل هسته‌ای ایران در سیاست خارجی آمریکا در دوران ریاست‌جمهوری بوش در پرونده هسته‌ای ایران (۲) روندها و نظرها، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران

نقیب زاده، احمد (۱۳۸۵)، «مطالعه تطبیقی نگاه اروپا و آمریکا به آمریکای لاتین و پیامدها»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۲۵-۲۲۶

نیری، بیژن (۱۳۸۴)، «جای آموزه نظامی در سیاست خارجی آمریکا» اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۱۲ و ۲۱۱

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۵۵)، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر

رجانیوز. دوشنبه، ۱ آذر ۱۳۸۹

<http://www.rajaneews.com/detail.asp?id=۷۰۳۲۲>،

خبرگزاری مهر ۱۳۸۹ / ۴ / ۲۵

خبرگزاری مهر، ۲۳ تیر ۱۳۸۹

تابناک. ۲۷ آبان ۱۳۹۰ ۲۰۴۴۲۵ <http://www.tabnak.ir/fa/news/۲۰۴۴۲۵>

AFP(۲۰۱۰)" World should avoid isolating Iran: Brazil", , ۲۳feb:
<http://www.google.com/hostednews/afp/article/ALeqM۰i۶w۰۷wzLKruk۴Ff۳baGx۰ZK۹vrQ>

Amuzegar, j (۲۰۰۶)", "Nuclear Iran: Perils and Prospect's, *Middle East policy*,
VOL. XIII, NO. ۲, SUMMER.

Berman, Ilan(۲۰۱۲), Iran Courts Latin America, *Middle East Quarterly*, Vol.
۱۹, No. ۳, Summer.

Cordesman, Anthony H and Khalid R. Al-Rodhan(۲۰۰۶), Iranian
Nuclear Weapons? The Uncertain Nature of Iran's Nuclear Programs,
www.csis.org/burke

Farah, Douglas(۲۰۰۹), "Iran in Latin America: An Overview", Latin American
Program, in Cynthia J. Arnson, Haleh Esfandiari, and Adam Stubits, *Iran in
Latin America: Threat or Axis of Annoyance?* (Washington, D.C.:
Woodrow Wilson International Center for Scholars.

Fugitt, Kristina Michele (۲۰۱۲), "The Export of Iran's Nuclear Program to
Latin America: Implications for United States Security", *Global Security
Studies*, Vol. ۳, Issue. ۳..

Hadian, Nasser(۲۰۰۴). "Iran's Bomb American and Iranian Perspectives",
from: [http://www.nixoncenter.org/Publications/monographdocuments/
Board/۲۰۰۳/gov۲۰۰۳-۶۹.Pdf](http://www.nixoncenter.org/Publications/monographdocuments/Board/۲۰۰۳/gov۲۰۰۳-۶۹.Pdf).

Hearing(۲۰۱۲), Iran's Influence and Activity in Latin America, Committee
on Foreign Relations United states Senate, Available:
<http://www.gpo.gov/fdsys/>

Ilias, Shayerah(۲۰۱۰), Analyst in International Trade and Finance: Iran's
Economic Conditions: U.S. Policy Issues, CRS Report for Congress, April
۲۲.

- Lotfian, Saideh(۲۰۱۰), “The New Role of Latin America in Iran’s Foreign Policy”, *Iranian Review of Foreign Affairs*, Vol. ۱, No. ۳, Fall.
- Moshirzadeh, Homeira(۲۰۰۷), “Discursive Foundations of Iran’s Nuclear Policy” , *Security Dialogue*, Vol. ۳۸, No. ۴.
- Rashid M. A, and A. Kinjo (۲۰۰۹), “Modeling and Analysis of Iran’s Nuclear Conflict”, *International Journal of Computer Science and Network Security*, VOL. ۹ No. ۱۱, November.
- Sullivan, Mark P.(۲۰۱۲), Latin America: Terrorism Issues, Congressional Research Service, www.crs.gov
- Vann, Dina Siegel(۲۰۰۷), Iran’s Presence in Latin America: Trade, Energy, and Terror, Available:www.hacer.org/pdf/IRAN.pdf